

بین گذشته و آینده

رامین جهاننگلو



نشرنی

جهاننگلو، رامین، ۱۳۳۵ -

بین گذشته و آینده / رامین جهاننگلو. - تهران: نشر نی، ۱۳۸۴.
۴۵۲ ص.

ISBN 964-312-790-7

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. فلسفه - مقاله ها و خطابه ها. ۲. جهاننگلو، رامین، ۱۳۳۵ -

الف. مصاحبه ها.

ب ۹ ج ۹۴ / B ۲۹

۱۳۸۴

۱۰۰

م ۸۴-۱۱۸۰۱

کتابخانه ملی ایران



نشر نی

تهران، خیابان فاطمی، خیابان رهی معیری، شماره ۵۸، کد پستی ۱۴۱۳۷

تلفن: ۵۹ و ۸۸۰۰۴۶۵۸، صندوق پستی ۵۵۶ - ۱۳۱۴۵

www.nashreney.com

دفتر فروش: خیابان انقلاب، روبروی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۵۱۲

تلفن: ۶۶۴۹۸۲۹۳، فکس: ۶۶۴۹۸۲۹۴

کتابفروشی: خیابان کریم خان، نبش میرزای شیرازی، شماره ۱۶۹

تلفن ۸۸۹۰۱۵۶۱

بین گذشته و آینده

رامین جهاننگلو

• چاپ اول ۱۳۸۴ تهران • تعداد ۱۶۵۰ نسخه • لیتوگرافی غزال • چاپ غزال

ISBN 964-312-790-7

شابک ۹۶۴-۳۱۲-۷۹۰-۷

Printed in Iran

همه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است

فهرست مطالب

.....	سخنی با خواننده	۹
-------	-----------------	---

مدرنیته در آینه خود

.....	سینما و مدرنیته	۱۳
.....	فردیت و فضای مدرن	۱۸
.....	هدایت و تجربه مدرنیته	۳۵
.....	فردیت، دانشگاه و فلسفه	۴۵
.....	تأملاتی درباره جنبش دانشجویی	۵۴
.....	معاصر بودن: فراسوی پارادایم مدرنیته	۶۶

خشونت و آزادی مدرن

.....	دموکراسی و حقوق بشر	۷۳
.....	دموکراسی و خشونت	۷۹
.....	مارکس و حقوق بشر	۸۵
.....	فراسوی ملی‌گرایی: جهانشمولیت عدم خشونت	۱۰۸

شش دگراندیش مدرن

۱۱۹	هانا آرنست و سیاست مدرن
۱۳۳	امانوئل لویئاس: اندیشه دیگری تا دیگر اندیشیدن
۱۴۰	کورنلیوس کاستوریادیس: فلسوفی مخالف جریان
۱۴۷	آیزایا برلین: خداحافظ آقای برلین
۱۵۴	جان رالز: در جستجوی عدالت
۱۶۰	ادوارد سعید: وجدان بیدار جهان ما

روشنفکر و فردیت مدرن

۱۶۷	نقش روشنفکر در خاورمیانه
۱۷۴	رسالت روشنفکر
۱۹۳	روشنفکری و برزخ سنت و مدرنیته در ایران
۲۰۵	اصلاحات و روشنفکران ایران
۲۱۴	روشنفکری تعطیل نمی شود
۲۳۹	از روشنفکر دینی تا روشنفکر غیردینی
۲۶۷	روشنفکری و اندیشه انتقادی
۲۷۲	روشنفکری و گذار به دموکراسی
۲۷۷	روشنفکر نسل چهارم و حقیقتی فراتر از ایدئولوژی
۲۹۶	روشنفکری: جستجوی حقیقت

ساختار و حرکت در نظام فلسفی هگل

۳۱۷	نگاهی به فلسفه سیاسی کانت
۳۲۶	هگل و خودحرکتی مفهوم
۳۳۵	کیرگگور: دیگری فلسفه
۳۴۲	اودیسه پدیدارشناختی ذهن
۳۵۷	اندیشه سیاسی هگل
۳۶۷	نگاهی کوتاه به فلسفه سیاسی هگل

بین گذشته و آینده

۳۷۷	 چگونه گفت‌وگوی جهانی داشته باشیم؟
۴۰۰	 جهانی بودن یا جهانی شدن؟
۴۱۸	 آیا بدون فرهنگ می‌توان توسعه یافت؟
۴۳۰	 معرفت‌شناسی توسعه
۴۴۱	 هویت هنری کدام است؟

سخنی با خواننده

«پرسش‌ها هیچگاه نسنجیده و بی‌ملاحظه نیستند
ولی پاسخ‌ها گاهی هستند.»
اسکار وایلد

کتابی که در دست دارید مجموعه‌ی جدیدی از مقالات و سخنرانی‌هایی است که در طی ۴ سال گذشته در داخل و خارج از ایران نوشته و ایراد شده‌اند. موضوع اصلی این مقالات رابطه میان سوژه مدرن و فضاهاى مدرن، شکل‌گیری نهادهایی چون دانشگاه و دموکراسی و نقش روشنفکران در شکل‌گیری، نقد و بقای آنهاست. بی‌شک موفقیت این نقد روشنفکری و تداوم و بقای دموکراسیک آن در صورتی امکان‌پذیر است که هر جامعه‌ای روند «خوداندیشیدن» را بیاموزد. درحقیقت نقشی که امروزه فلسفه ایفا می‌کند، آموزش این «خوداندیشی» است و نقد تمامی شیوه‌هایی از اندیشیدن که از ظهور افق‌های جدید اندیشه جلوگیری به عمل می‌آورند. شکی نیست که فلسفه، ماجرایی انفرادی نیست که خارج از تاریخ فلسفه صورت گیرد. ولی آنچه که تاریخ فلسفه به ما می‌آموزد، تنها فلسفه نیست، بلکه قبل از هر چیز، فلسفی‌اندیشیدن است، یعنی چگونگی طرح پرسش درباره‌ی اندیشه‌ی خود،

اندیشه دیگران، جامعه و جهان. فلسفه همچنین به ما می‌آموزد که هیچکس نمی‌تواند و نمی‌بایستی به جای ما بیاندیشد، زیرا هیچکس قادر نیست که اندیشه فردی را به جای او زندگی کند. درواقع فلسفی‌اندیشیدن چیزی نیست جز اندیشه زندگی و زندگی کردن اندیشه. اکنون مسلم اینکه، تنها جامعه‌ای قابلیت اندیشیدن زندگی و حیات خود را دارد که «با اندیشه» و نه «علیه اندیشه» زندگی کند. جامعه‌ای که با اندیشه و برای اندیشه زندگی می‌کند، با گذشته خود در آشتی است و از اشتباهات خود در عذاب و در فرار نیست. چنین جامعه‌ای قادر است که درباره آینده خود نیز فکر کند و به آن شکل مطلوب دهد. ولی جامعه‌ای که در میان گذشته و آینده زندانی شده، نه به گذشته تعلق دارد و نه به آینده، زیرا از یکی جدا شده و به دیگری نرسیده است. چنین جامعه‌ای قضایی پرزخی است که می‌کوشد تا از گناهان و مسئولیت‌های خود فرار کند تا مبادا روزی باز با آنها روبه‌رو شود. شاید به همین دلیل، در جامعه‌ای که مسئولیت نقش محور اصلی روابط اجتماعی را ایفا نمی‌کند، اخلاق تنها شعاری توخالی است که برای ترساندن شهروندان از شکوفا کردن فردیت‌های خود به کار گرفته می‌شود. در چنین جامعه‌ای همه چیز ممکن است، زیرا دیگر تفاوتی میان ممکن‌ها و ناممکن‌ها وجود ندارد. ولی وظیفه روشنفکر در چنین جامعه‌ای که همه حقایق نسبی و مبتذل شده‌اند چیست؟ آیا می‌توان از روشنفکری در جامعه‌ای سخن گفت که در آن خشونت لمینیسیم و عدم خشونت روشنفکری در یک کفه ترازو قرار می‌گیرند؟ شاید بتوان گفت که وظیفه اصلی روشنفکر در جامعه‌ای که فاصله میان دروغ و حقیقت مخدوش شده است، زندگی و مبارزه برای حقیقت است. از این رو روشنفکر تنها با آزادبودن از هرگونه ایدئولوژی و فاصله گرفتن از هر نماد قدرت می‌تواند به قول ادوارد سعید به «حقیقت‌گویی خود در برابر قدرت» ادامه دهد. وظیفه روشنفکر نجات دادن انقلاب‌های در حال انقراض نیست، بلکه ایجاد انقلابی در زمینه ایده‌هاست که موجب تحول و دگرگونی جامعه شود. شاید این تنها راه رهایی از برزخ میان گذشته و آینده است: پذیرش اشتباهات فکری و عملی گذشته و پیشگیری از تکرار آنها در آینده.

رامین جهاننگلو

تهران، اسفند ۱۳۸۳